

استراتژی امام سجاد (ع) در رهبری امت

امام سجاد (ع) در شرایط خفقان اموی و مروانی می بایست شیوه ای نوین برای مبارزه در پیش گیرد ...



امام سجاد (ع) در شرایط خفقان اموی و مروانی می بایست شیوه ای نوین برای مبارزه در پیش گیرد تا بتواند آن محیط تاریک و ظلمانی و آن مردم غافل و بی خبر را از چنگ شهوات و نیز از تسلط دستگاه های اهریمنی خلاص کند؛ شیوه ای که هم بتواند مردم را با حقایق و معارف دین آشنا سازد و انقلابی در دنیای اسلام ایجاد کند و هم بهانه دست دشمن ندهد؛ شیوه ای که زمان شهادت زین العابدین استراتژی ایشان برای رهبری امت بود.

به گزارش «تابناک»؛ امام چهارم علی بن الحسین ملقب به «زین العابدین» و «سید السجّادین» در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری در مدینه به دنیا آمد. مادر گرامی ایشان شهربانو دختر یزدگرد (آخرین پادشاه ساسانی) است. امام سجاد (ع) دوران رشد خود را در عهد امامت امام مجتبی (ع) و پدر خود حسین بن علی (ع) سپری کرد. در کربلا حاضر شد، اما به دلیل بیماری نتوانست در جنگ شرکت کند. پس از آن قریب سی و چهار سال، یعنی تا سال 94 قمری، رهبری شیعه را بر عهده داشت و در نهایت به تحریک ولید بن عبد الملک مسموم گردید و به شهادت رسید و در کنار امام مجتبی (ع) در بقیع به خاک سپرده شد.

پس از عاشورا، پیچیده ترین شرایط روزگار، برای جهاد فرهنگی و سیاسی تو، رقم خورده بود؛ به طوری که وقتی سهل بن شعیب، مردی از بزرگان مصر، از تو جویای احوال امام سجاد شد، ایشان روشن گرانه فرمود: «فکر نمی کردم شخصیت بزرگی از مصر، مثل شما، نداند که حال ما چگونه است. اینک اگر وضع ما را نمی دانی، برایت توضیح می دهم؛ وضع ما، در میان قوم خود، مانند وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسرانشان را می کشتند و دخترانشان را زنده نگه می داشتند. امروز وضع ما چنان دشوار است که مردم با ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها، به دشمنان ما تقرب می جویند».

صحیفه سجّادیه، استراتژی امام سجاد (ع) در رهبری امت

امام سجاد در دوران حیات پربرکت شان برای بیان مفاهیم مورد نظرشان از دو شیوه استفاده کرد که عبارت اند از: الف-شیوه دعا که در صحیفه سجّادیه متجلی است. ب-شیوه موعظه که در قالب سخنان و روایات آن حضرت تبلور یافته است. از میان این دو شیوه حکیمانه، بهره گیری از شیوه دعا طرحی نو در تبیین عقاید و معارف ناب اسلام و مبارزه ای نامرئی بر ضد دستگاه حاکم بود.

سید السجّادین دعا را به عنوان تکیه گاه دل های بی قرار و ناتوان دیده ای، در اوج ناتوانی شیعه و در اوج بی قراری حق طلبان، به عنوان قالب قابل تداوم و تسری به کار برد، تا در آن غربت حق را فریاد بزند و رازهای سیاسی و فرهنگی و دینی را ضمن نیایش با خداوند، برای اندیشه های تاریخ افشاء بسازد. این است که صحیفه سجّادیه را به زبان دعا گشود و زبور آل محمد صلی الله علیه وآله را برای حق طلبان تاریخ برجای گذاشت.

با این شیوه مردم آرام آرام به بهترین شکل با اندیشه های ناب دینی آشنا شدند و یک مجموعه مؤمن، علاقه مند و صالح برای کارهای آینده به وجود آمد. دعاهای امام در عین اینکه حرکتی اخلاقی بود، مبارزه ای آرام در برابر قدرتهای اهریمنی، ولی ریشه کن کننده بود. او با این عمل و برنامه خود نشان داد که راه مبارزه در شمشیر منحصر نمی شود؛ زیرا در بعضی شرایط، شمشیر کارایی خود را به کلی از دست می دهد و حتی نتیجه عکس می دهد.

اگرچه نیایش&ای ایشانی پر است از مضمون&ای های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، نظامی و غیره که می&توان آن را به عنوان شیوه&ای مبارزه&ای ایشانی معرفی کرد، ولی خود نیایش نیز برای امام موضوعیت دارد نه فقط به عنوان مبارزه با طاغوت که به عنوان پیام اصلی و اساسی امام حسین علیه&السلام و واقعه&ای کربلا. از این منظر آشکار می&شود که زندگی امام، ادامه&ای کربلا و خود ایشانی، پیام&ای رسان کربلاست و ایشانی در تمام زندگی با نیایش، از گوهر و حقانیت کربلا دفاع کرده&ای اند.

دعا، شاهره اتصال انسان با خداست و معرفت حق، قله ای است که تنها با مدد دعا، فتح می شود. امام العارفین دعا را پیوندگاه بازوان ناتوان انسان، به مبدأ بی انتها دیدند و بشر را به آن فرا خواندند؛ تا با اتکال به دعا، روح تازه در کالبد حیات جسمانی خویش دمیده، مبشر زندگی با نشاط برای خود باشند. این راه تعمیق تفکر شیعه در عصری از جهل سیاسی بود که

ایمان راسخی حتی در دل شیعیان، یافته نمی شود، تا آن مرتبه که فرمود: «در مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند».